

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Boolean Reading of Social Movements Using Space-Time Theories
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

خوانش بولی جنبش‌های اجتماعی با استفاده از نظریه‌های فضا-زمان*

بهار باقرنژاد حمزه کلایی^۱، سعید حقیر^{۲*}، سعید خاقانی^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

چکیده

بیان مسئله: فضا‌مندی و زمان‌مندی جنبش‌های اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است. مطالعات کمی الگوهای فضا-زمانی جنبش‌ها را بررسی کرده‌اند. این مقاله به ترکیب فضاهای کنشگری که در موفقیت جنبش‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند می‌پردازد.

هدف پژوهش: هدف این مطالعه بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری الگوهای فضا-زمانی در جنبش‌های اجتماعی بر مبنای نظریه‌های فضا-زمان و بررسی تأثیر این الگوها در شکل‌دهی به رفتارها و کنش‌های اجتماعی است.

روش پژوهش: متدولوژی تحقیق به صورت ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. ۳۴ جنبش اجتماعی معاصر به صورت تاریخی مطالعه و اطلاعات آن‌ها کدگذاری و دسته‌بندی شد. با استفاده از تحلیل محتوای کمی شرایط علی پژوهش شناسایی و براساس معیارهای تحقیق دسته‌بندی شدند. با تبدیل داده‌های کیفی به کمی و با استفاده از روش بولی معادله‌ای به دست آمد که در آن ارتباط بین متغیرهای فضا-زمان و موفقیت جنبش‌ها تعیین شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد جنبش موفقیت را تجربه می‌کند اگر از فضاهای ساختار فضا-زمان نسبی استفاده کند «و» از فضاهای ساختار فضا-زمان رابطه‌ای استفاده نکند «یا» از فضاهای ساختار فضاو زمان مطلق استفاده کند «و» از فضاهای ساختار فضا-زمان رابطه‌ای نیز استفاده کند. یافته‌ها نشان داد اگر امکان شبکه‌سازی‌های مبتنی بر روابط نزدیک و چندوجهی گسترده برای جنبش فراهم نباشد، در این صورت برای نیل به موفقیت، شبکه‌بندی سازمانی ضروری است. همچنین ثابت شد در صورت غیبت نهادها، وجود توأمان فضای فیزیکی شهری و فضاهای رابطه‌ای (رسانه‌ها، شبکه‌سازی‌های گسترده و هنرهای اعتراضی)، برای موفقیت جنبش الزامی است. آن‌ها با هم یک حوزه عمومی را شکل داده و در آن به اعتراض و مقاومت برای به‌چالش کشیدن سلطه دولت مستقر ادامه می‌دهند.

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، الگوهای فضا-زمانی، حوزه عمومی، رویکرد بولی، فضا.

مقدمه

جنبش‌ها در اثر حضور همزمان و همبودی کنشگران در فضای عمومی شکل می‌گیرند (Madanipour, 2003). آن‌ها در حکم زیرساختی هستند که «فعالیت‌های

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «بهار باقرنژاد حمزه کلایی» با عنوان «فضاهای کنش-دریافت: تحلیل تأثیر نظریه‌های فضا‌زمان در خلق الگوهای سازماندهی شده در فضاهای عمومی» است که به راهنمایی

بازیگران^۱ را در زمان و مکان هماهنگ می‌کنند» (Haug, 2013). همزمانی و همبودی فوق اهمیت فضا‌مندی^۲ و زمان‌مندی^۳ را در هرگونه تحلیل نشان می‌دهد (Tang, 2019؛ Beaugard, 2011؛ فروزنده

دکتر «سعید حقیر» و دکتر «سعید خاقانی» در سال ۱۴۰۱ در پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: saeed.haghir@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۴۴۳۴۹۲۷

اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان از منطق درونی نظریه‌های فضا-زمان در فهم نظم‌های اجتماعی-فضایی تولیدشده در جنبش‌های اجتماعی استفاده کرد؟ و چگونه می‌توان از این منطق برای خوانش فضاهای تأثیرگذار در شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های اجتماعی و نیز شناخت روابط بین آن‌ها کمک گرفت؟

فرضیه پژوهش

در این پژوهش فرض بر این است که می‌توان از طریق منطق درونی^۴ نظریه‌های فضا-زمان به خوانش الگوهایی از ساختارهای فعال و سازماندهی شده^۵ در فضاهای عمومی دست یافت.

پیشینه پژوهش

سیاست همانند دیگر مناسبات اجتماعی در فضا آشکار می‌شود و اندیشیدن درباره آن تقریباً همواره با فراخواندن مجموعه‌ای از مناسبات فضایی همراه است (Tonkiss, 2006). از طرفی هیچ راهی برای جداکردن روابط اجتماعی از روابط فضایی وجود ندارد و بین سرشت این دو پدیده رابطه‌ای درونی برقرار است. به طوری که اندیشه‌ورزی درباره یکی بدون دیگری به معنای از دست دادن بخش ضروری از یک تصویر است (Elden, 2009). جنبش‌های اجتماعی مبتنی بر روابط چندلایه‌ای تعاملات انسانی افراد با یکدیگر (Diani, 2000) و روابط این افراد با فضا است. بنابراین شناسایی پرکتیس‌های چندوجهی افراد و فضا در طی زمان به شناخت لایه‌های پنهان آن کمک خواهد کرد. اندیشمندان زیادی به این امر پرداخته‌اند. تانگ (Tang, 2019) و بوریگارد (Beauregard, 2011) به نقش بعد زمانی و پرکتیس‌های فضایی در پایداری و مقاومت جنبش اشاره کرده‌اند. ماسی (Massey, 2005) و دیگن (Degen, 2017) بر درهم‌تنیدگی فضا و زمان تأکید کرده و آن دو را وجودی پویا می‌دانند که از طریق کنش‌های متقابل شکل می‌گیرند. مان از بخش مادی شهری به عنوان خصوصیات سخت و از ویژگی‌هایی مانند زمان یا تجربیات در فضا به عنوان خصوصیات نرم نام می‌برد (Mann, 1986 به نقل از Degen, 2017). هاروی (Harvey, 2008) و لوفور (Lefebvre, 1991) رابطه دیالکتیکی فضا-زمانی را در مطالعات خود مورد بحث قرار داده‌اند. در این میان مزیت رویکرد لوفور، ارائه نظریه واحدی از فضا است که نوعی آشتی و پیوند بین فضای فیزیکی، فضای ذهنی و فضای اجتماعی پدید

و منصوره (۱۳۹۸). این دو جنبه در مطالعه جنبش‌های اجتماعی تا حدی نادیده گرفته شده‌اند (McAdam, 2001; Sewell, 2001; Haug, 2013). فضای مورد استفاده کنشگران گاه مبنایی مادی دارد که برای سازماندهی در برابر قدرت نهادی استفاده می‌شود (Castells, 1983)، گاه فضایی اجتماعی است که ارتباطات لازم برای جنبش در برابر دولت را فراهم می‌کند (Lefebvre, 1991)، گاهی هم فضاهایی که مخزن خاطرات جمعی هستند (Deaton, 2015) و جنبش‌ها از طریق برانگیختن این خاطرات دولت مستقر را به چالش می‌کشند.

فاکتور زمان نیز در دریافت مفاهیمی چون تجربه، حرکت، کنش انسانی، آگاهی و همچنین فضا بسیار تأثیرگذار است. توجه به مفهوم زمان در تحلیل فرایندهای اجتماعی که در تولید فضا و مکان مؤثر هستند، از اهمیت زیادی برخوردار است (Kaçar, 2005). فررز و میر (Frers & Meier, 2017) کنش‌های مقاومت، مدت زمانشان و گسترش مکانی آن‌ها را مورد توجه قرار دادند. تانگ (Tang, 2019) در پژوهش خود نشان می‌دهد مقیاس زمانی برای کنشگران از اهمیت برخوردار است. او نشان می‌دهد هرچه فضا طولانی‌تر تحت تصرف کنشگران باشد، فعالیت‌های جاری بیشتر مختل شده و فشار بر روی دولت مستقر بیشتر می‌شود. بنابراین اگرچه در بررسی‌ها، بعد فضایی خود را پررنگ‌تر نشان می‌دهد، اما ابعاد زمانی نه تنها به همان میزان اهمیت دارند، بلکه به لحاظ ماهوی غیرقابل تفکیک از بعد فضایی هستند. بنابراین شناخت ابعاد زمانی و پرکتیس‌های فضایی به درک فرایند شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی کمک خواهند کرد (Harvey, 2008; Beauregard, 2011). اگرچه مسئله فضا و زمان مورد توجه اندیشمندان گوناگونی چون لوفور (Lefebvre, 1991)، ماسی (Massey, 2005)، کاستلز (Castells, 2012) و سوچا (Soja, 1980) بوده است، آن دسته از پژوهش‌هایی که با تکیه بر ادبیات فوق جنبش‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند هریک به شناسایی وجوه خاصی از آن پرداخته‌اند. برخی خصوصیات فیزیکی فضا (Taylor & Spicer, 2007) و برخی ویژگی‌های چندوجهی آن، مانند تأثیر فاصله-زمان را (Sewell, 2001 به نقل از Wang, Ye & Chan, 2019). برخی نیز فضاهای تظاهرات و بسیج (Wang, Ye & Chan, 2019؛ نوربخش، ۱۳۸۶) را بررسی کرده‌اند.

لذا در این مقاله سعی بر آن است انواع فضا مندی و زمان مندی‌های گوناگونی که در جنبش‌ها مورد استفاده کنشگران قرار می‌گیرد شناسایی شوند. سؤالی که در

فرایندهای شهری پی برد (Harvey, 2009). اگرچه در تریالکتیک لوفور نقش زمان در استفاده و تولید فضا قابل مشاهده است، اما بخش اجتماعی-فضایی پرکتیس‌های اجتماعی پررنگ‌تر می‌نماید. به بیان دیگر در خوانش لوفوری تمرکز بیشتر بر روی ارتباط جاری بین روابط اجتماعی و فضا است. یا دقیق‌تر این خود فضاست که همزمان اجتماعی و فضایی است (Halvorsen, 2017). اما جنبه مهم دیگری که همین‌جا باید مورد توجه قرار گیرد بررسی همزمان بعد زمانی و پرکتیس‌های فضایی است که به درک فرایند شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی کمک خواهند کرد (Harvey, Beauregard, 2011). اندیشمندان زیادی بر در نظر گرفتن رابطه بین فضا و زمان اتفاق نظر دارند (Harvey, 2008؛ ترکمه، ۱۳۹۵؛ اکبری، ۱۳۹۸). از پیشگامان در نظریه‌پردازی در حوزه فضا و زمان فیزیکدانان بوده‌اند. آن‌ها به دلیل طرح پرسش‌هایی جهانی از معنا ناگزیر از مواجهه با فلسفه بوده (Philipsen, 2019) و در تغییر دیدگاه بشر نسبت به پیرامون خود نقش به‌سزایی داشته‌اند (Alexander, 2004). مفاهیم مرتبط با فضا و زمان که ریشه در نظریات علم فیزیک دارند در حالت کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند: فضا و زمان مطلق، فضا-زمان نسبی^۱ و فضا-زمان رابطه‌ای^{۱۱}. در هر یک از سه دسته فوق فضا و زمان همزمان در کنار یکدیگر معنا یافته و نوع ارتباط بین این دو است که این سه دسته را از هم تفکیک می‌کند. فضا و زمان مطلق متکی بر فیزیک نیوتنی است و طبق آن فضا متمایز از زمان بوده و همه چیزها و فعالیت‌ها در آن اتفاق می‌افتد. زمان در این حالت مطلق و ثابت بوده و معمولاً به صورت خطی نمایش داده می‌شود (Harvey, 2008). فضا متمایز از جسم یا شیء است و زمان به شکلی واحد بدون توجه به اینکه چه چیز در جهان اتفاق می‌افتد در حال گذر است (توفیق و خراسانی، ۱۳۹۳). در این رویکرد فضا دارای ساختاری است که براساس آن می‌توان پدیده‌ها را جایگذاری و متعین کرد (Harvey, 2006). در این حالت فضا به‌عنوان «ظرف مبارزه» (Wang, Ye & Chan, 2019) محسوب شده که افراد در آن حضور به هم می‌رسانند. ساختمان‌ها و فضاهای شهری در این حالت هنگام بروز کنش‌های مدنی به‌عنوان قطب‌های جاذب جمعیت عمل می‌کنند. نوع ارتباط بین کنشگران مستقل از هم و صرفاً مبتنی بر مکان است. این مکان‌ها که به‌عنوان سایت‌های مقاومت و اعتراض شناسایی می‌شوند (Friedmann, 2007) به نقل از اشرفی، پوراحمد، رهنمایی، و رفیعیان، (۱۳۹۳)، امکان حضور افراد جهت اعتراض را فراهم می‌کنند. این

آورد (Merrifield, 1993a,b). لوفور فضا و زمان را به‌عنوان وجوهی لاینفک و فرآورده‌ای اجتماعی دیده و سه‌گانه خود را تحت عنوان پرکتیس فضایی^۲، بازنمایی فضا^۳ و فضای بازنمایی^۴ (Zieleniec, 2007) معرفی کرد. از نظر او این‌گونه نیست که فضا مشخصاً در یکی از این سه دسته قرار گیرد، بلکه می‌تواند در یک دیالکتیک و به‌صورت همزمان در هر سه بخش قرار گیرد و معیار سنجش در این میان کنش انسان است (ترکمه، ۱۳۹۵). منظور از پرکتیس فضایی، محیطی فیزیکی و جهان ملموس است که می‌توان آن را درک کرد. فضای تجربه فیزیکی و قابل تماس از جهان پیرامون است (همان). در پرکتیس فضایی، فضاهای شهری و ساختمان‌ها به‌عنوان مکانی صرف برای حضور افراد در آن بوده و در فرایند شکل‌گیری جنبش خنثی عمل می‌کنند. افراد با حضور و اشغال فضاهای شهر، نظم غالب را به چالش کشیده و قدرت نمادین و اجتماعی خود را تقویت و بسیج می‌کنند (Miller & Nicholls, 2013). بازنمایی فضا، فضایی است که توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران تولید می‌شود؛ فضای دانش رسمی و تصور شده که چگونگی استفاده مردم عادی از فضا را تعیین می‌کند (ترکمه، ۱۳۹۵). قدرت سیاسی با جداسازی، همگن‌سازی و سلسله‌مراتبی کردن فضاهای اجتماعی موجب افزایش سلطه و بهره‌کشی می‌شود (Lefebvre, 2009). در مقابل کنشگران با حضور در مکانی که نباید و در زمان/ مدت زمانی که نباید، با تاکتیک‌های فضایی خود، نظم نقشه‌ها را زیر پا گذاشته و برنامه القاشده از جانب قدرت مسلط را واژگون می‌سازند (Thrift, 2000 به نقل از Tonkiss, 2006؛ Zivali Tukhan, 2019). در این رویارویی هر یک از دو گروه در تلاش‌اند با تغییردادن مرزها بین فضاهای مسلط و مغلوب، فضای مانور و مفصل‌بندی خودشان را گسترش دهند (Prigge, 2008). فضاهای بازنمایی، فضای زیست‌شده حواس، تخیل، عواطف و معناهاست که با چگونگی زندگی هرروزه ادغام می‌شود (Lefebvre, 1991؛ Harvey, 2008). این فضاها در طول زمان و به‌واسطه استفاده، تولیدشده و خود تغییر می‌کنند. این فضاها که بیشتر بر جنبه عاطفی و احساسی انسان متکی است، فضایی زنده بوده و دربرگیرنده مکان‌های اشتیاق است. جایی که فضای جریان‌ها جایگزین فضای مکان‌ها می‌شود (Castells, 2015). حضور افراد در این مکان‌ها، آن‌ها را به تجربه مشترکی از جهان می‌رساند (بندرآباد، مرادی مسیحی، کاوش‌نیا، و عالی، ۱۳۹۴). فقط از طریق این فضای تجربه شده است که می‌توان به نقش سیاسی خاطرات جمعی در

مکانی جنبش بازی می‌کنند. یک رخداد یا شیء در یک نقطه از فضا، با توسل به آنچه که تنها در همان نقطه وجود دارد فهم نمی‌شود، بلکه به هر چیزی که در اطرافش رخ می‌دهد وابسته است. گذشته، حال و آینده طبیعت آن نقطه را تعریف می‌کنند (Harvey, 2008; Elden, 2009). به عنوان مثال می‌توان از مکان‌های نمادین نام برد که به دلیل خاطرات سیاسی گذشته که در آن نقطه اتفاق افتاده در حافظه تاریخی مردمان به جا مانده‌اند، معمولاً در جنبش‌های آینده پتانسیل بیشتری برای جذب جمعیت خواهند داشت. بنابراین فضا و زمان در یک رابطه متقابل تعریف شده و جهان به عنوان مجموعه‌ای از «ارتباطات متقابل بین شبکه‌ها و جریان‌های متفاوت» (Tuan, 1977; Buttimer & Seamon, 1980 به نقل از اشرفی و همکاران، ۱۳۹۳) پذیرفته می‌شود. فضا در این حالت خود محصول روابط و ساخته شده از روابط است؛ یک چندگانگی و ناهمگنی، نه همگنی. متکثر است و نه منفرد. بنابراین فضا همیشه در فرایند ساخته شدن است و هیچوقت بسته یا تمام نمی‌شود (Elden, 2009). با این تعریف فضای اجتماعی دیگر فضایی جغرافیایی نیست. بلکه از زمان و مکان فراتر رفته و شامل تمام گروه‌هایی که منافع مشترکی را تعقیب می‌کنند می‌گردد (Fisher & King, 1994 به نقل از غفاری و اطهری، ۱۳۸۳). در این راستا تکنولوژی و فناوری دیجیتال به گسترش جامعه ارتباطی کمک شایانی کرده و نقش آن در شکل‌گیری فضاهای عمومی جدید (Zukin, 1995 به نقل از اشرفی و همکاران، ۱۳۹۳) و جنبش‌های اجتماعی معاصر (Haug, 2013; Bourne, 2017; Lim, 2014; Arampatzi, 2017) انکارناپذیر است. برای شکل‌گیری و حفظ همبستگی بین جنبش‌ها در فواصل زیاد نیز ارتباطات مجازی ضروری است. در دوران معاصر جنبش‌های زیادی دیده شده‌اند که در نقاط مختلف جغرافیایی و به تبعیت از هم به صورت موازی شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال جنبش‌های اشغال در سراسر جهان از این دسته هستند. در عین حال تمامی فضاهای مبتنی بر روابط اجتماعی، فضاهای شاعرانگی و آفرینندگی، هنر و عاطفه، رویا و آرزو همگی در این دسته جای می‌گیرند. به عنوان مثال فضاهای مبتنی بر همدلی که بین گروه‌ها و طبقات مختلف تحت تبعیض، شبکه روابط و وابستگی متقابل ایجاد می‌کند. به بیان کاستلز شبکه‌های ارتباطی در اینجا از موانع فضا و زمان عبور کرده و روابط قدرت محدود در فضا و زمان را به چالش می‌کشد (Lim, 2014). اینکه رویدادهای یک جنبش بر رویدادهای

مکان‌ها یکتا، جدا از هم و با قلمروهای مرزبندی شده هستند (Harvey, 2006). به عنوان مثال می‌توان از میداین یا ساختمان‌های دولتی نام برد که معمولاً در هنگام کنش‌های سیاسی، کنشگران در آن فضاها حاضر شده و فضا توسط آن‌ها اشغال می‌شود. فضا-زمان نسبی مرتبط با تئوری نسبیت انیشتین است. در این دیدگاه که معتقد است «هیچ چیزی مطلق، ثابت و ابدی» (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۳) نیست، فضا و زمان در یک رابطه نسبی با یکدیگر قرار می‌گیرند. نظریه نسبیت عام یا فضا-زمان خمیده، فضا و زمان را از زمینه‌ای منفصل که در آن رخدادها به وقوع می‌پیوندند، به بازیگران فعال ساز مبدل ساخت. زمان و فضا در این رویکرد به طور جدایی‌ناپذیری به هم پیوسته‌اند (هاو کینگ، ۱۳۹۸). در مدل انیشتینی زمان ثابت ولی فضا با توجه به اجرام همجواریش امکان انحنای خمیدگی دارد (Harvey, 2006, 2008). به عبارت دیگر فضا در این حالت به مثابه ربط میان اشیاء فهمیده می‌شود (Harvey, 2006). در فضا-زمان نسبی فواصل مکان‌ها نسبت به هم بر حسب هزینه، زمان و فاصله فیزیکی‌شان مطرح می‌شود. مثلاً در جنبش‌های اجتماعی اهمیت فاصله بین دو فضا و زمان مطلق مثلاً فاصله بین دانشگاه و کمپ اقامتی دانشجویان در پیشبرد جنبش سنجیده می‌شود. فضا در این رویکرد ساختی اجتماعی است که بر حسب روابط جاری بین افراد و توسط آن‌ها تولید می‌شود. بنابراین هر نوع فضایی که پذیرای طبقه خاصی از افراد بوده و مبتنی بر شبکه روابط ساخت یافته، عموماً سازمانی و رسمی، باشد در این دسته جای می‌گیرد. پولتا (Polletta, 1999) از نهاد کلیسا در جوامع سیاه‌پوستان جنوب و جوامع دهقانان فرانسوی نام می‌برد که قادر بودند خود را از کنترل و نظارت قدرت مسلط رها ساخته و فضایی مبتنی بر روابط سلسله‌مراتبی را شکل بدهند. سازمان‌ها و شبکه‌های گسترده برای بسیج منابع در مبارزات سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است (Miller & Nicholls, 2013). فضا-زمان رابطه‌ای مبتنی بر تئوری کوانتوم است که زمان را نا ثابت بلکه پویا تعریف می‌کرد. مفهوم رابطه‌ای فضا بیش از همه با نام لاینیتز گره خورده است. مفهوم رابطه‌ای فضا-زمان منجر به ایده روابط درونی می‌شود. اگرچه در فضا-زمان نسبی نیز روابط نقش مهمی را ایفا می‌کنند ولی آنجا روابط بیرونی و نقش سازمان‌دهنده و هماهنگ‌کننده دارند. در صورتی که در فضا-زمان رابطه‌ای، روابط تا عمق درون پدیده رسوخ کرده و عواطف و احساسات را دربرمی‌گرفته و سهم مهمی در گسترش زمانی و

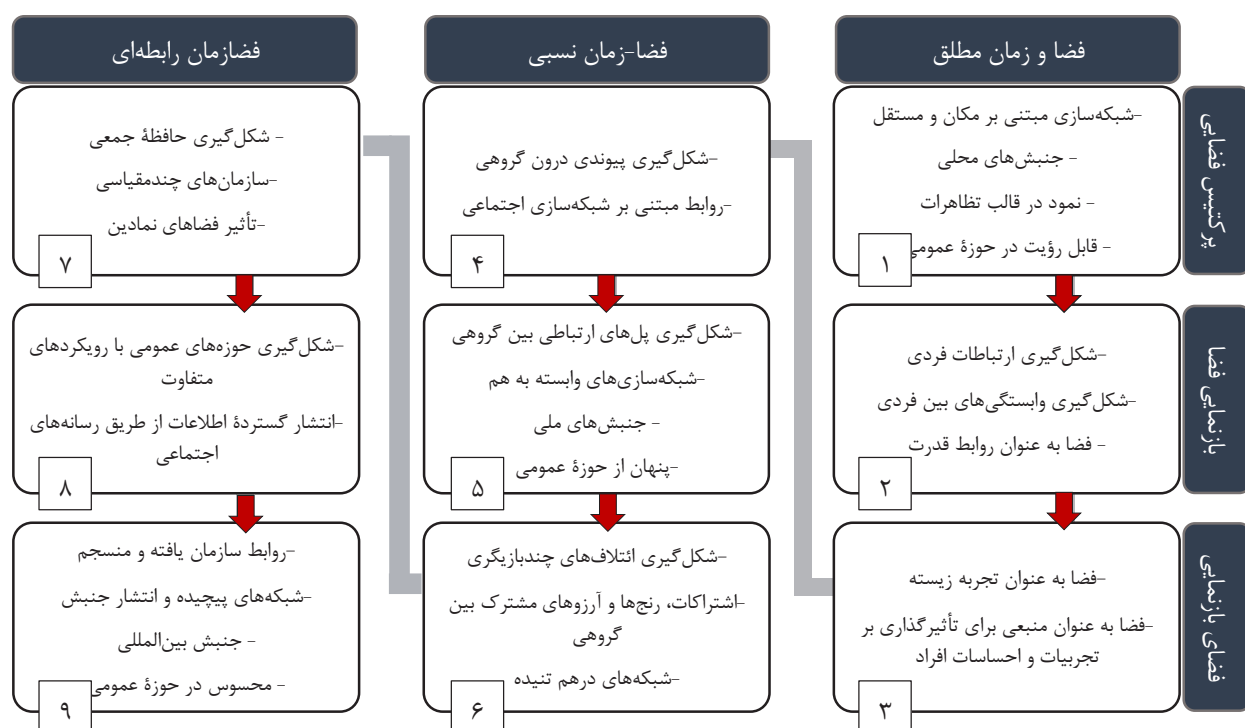
جنبشی است. افراد غریبه و مستقل در نقاطی از فضاهای شهر، مانند میدان عمومی یا پردیس دانشگاهی و جهت اعتراض به دولت مستقر حاضر می‌شوند. حضور افراد در فضا صرفاً بدنمند و عموم مردم نسبت به یکدیگر غریبه هستند. در تقاطع فضا و زمان مطلق و بازنمایی فضا در مرحله ۲، اگرچه همچنان ارتباطات مبتنی بر مکان است، اما زمان سپری شده توسط افراد در فضا درجه‌ای از اتصال بین آن‌ها برقرار می‌سازد. در اینجا ارتباطات به‌مقداری شکل یافته، ولی همچنان بین شبکه محدود و ثابتی از دوستان هر فرد برقرار است. مثل ارتباطی که دانشجویان در محیط خوابگاه یا پردیس دانشگاه بین دایره دوستان خود شکل می‌دهند. در این مرحله نظم حاکم بر فضا توسط کنشگران برهم زده شده و با محیط خود وارد تعامل می‌شوند. مثلاً در جنبش هنگ‌کنگ، دانشجویان فضای پردیس را اشغال و با سازماندهی مجدد آن از قبیل نصب پوستر و غیره فضا را مطابق خواسته‌های خود بازطراحی کردند (Wang, Ye & Chan, 2019). در مرحله ۳، مدت زمان سپری شده در فضا توسط افراد و کیفیت حضور آن‌ها در فضا به درجه‌ای رسیده که وابستگی‌های متقابل شروع به شکل‌گیری می‌کند. آن‌ها با پخش موسیقی در فضا یا هر نوع فعالیت تأثیرگذار، بر تجربیات و عواطف افراد تأثیر گذاشته و فضا توسط افراد مورد زیست واقع می‌شود. فضا در این حالت به‌عنوان یک

جنبش دیگر تأثیر می‌گذارد نشان‌دهنده بستگی مستقیم هر دو رویداد به هم و در رابطه بودن با همدیگر دارد (مالگریو، ۱۳۹۵). این جنبش‌ها که با اهدافی مشترک برهم تأثیرگذارده و در نقاط مختلف جغرافیایی به صورت موازی پیش می‌روند یادآور جهان‌های موازی در دنیای فضا-زمان رابطه‌ای است.

خوانش فضایی-زمانی فضاهای اعتراض در جنبش‌های اجتماعی

هاروی معتقد است محدود کردن خود تنها به یک جنبه از اندیشه فضایی یا فضا-زمانی غیرممکن است (Harvey, 2008). او برای خوانش پدیده‌های اجتماعی پیشنهاد داد تا ساختار سه‌گانه فضا-زمانی شامل فضا و زمان مطلق، فضا-زمان نسبی و فضا-زمان رابطه‌ای در برابر تقسیم سه‌گانه فضای تصور شده، درک شده و زیسته لوفور قرار داده شود. این تحقیق با مبنای قرارداد این ماتریس کار خود را آغاز کرده و به خوانش جنبش‌های اجتماعی پرداخت (تصویر ۱).

ویژگی بارز ستون اول (فضا و زمان مطلق) این است که فضا از قبل و صرف‌نظر از هر رویدادی وجود دارد. نقاطی ثابت از مکان‌های جغرافیایی که شاخصه اصلی‌شان تأمین مکان برای جنبش‌های اجتماعی است. مرحله ۱، تقاطع فضا و زمان مطلق و پرکتیس فضایی، نقطه شروع نمود هر



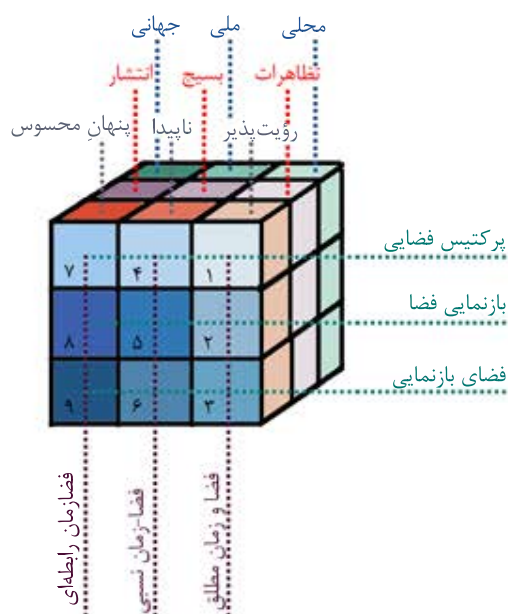
تصویر ۱. ماتریس فضا-زمانی جنبش‌های اجتماعی. مأخذ: نگارندگان.

فضاهای شهری، عرض پیاده‌روها و خیابان‌ها برای تجمع، دسترس‌پذیر بودن و باز بودن فضا در شکل‌گیری تجمعات تأثیرگذار است. در مرحله ۷ هویت‌ها و خاطرات جمعی و احساسات مشترک شکل می‌یابد که خود حاصل حضور افراد در مکان (مرحله ۱) و شکل‌گیری پیوندهای درون‌گروهی (مرحله ۴) و نهایتاً پیوندهای بین‌گروهی (مرحله ۷) است. میزان نمادین بودن مکان و جایگاه آن در تاریخ گذشته نقش مهمی در تأثیرگذاری در احساسات و جذب افراد به مکان دارد (بندرآباد و همکاران، ۱۳۹۴؛ صدیقی و فرزید، ۱۳۹۸؛ Deaton, 2015؛ Harvey, 2006). مرحله ۷ امکان تعلق یک فرد به چندین گروه به صورت همزمان را فراهم می‌آورد. در مرحله ۸ با ایجاد ائتلاف بین گروه‌های مختلف، ساختارهای سازمانی و چندین مقیاسی^{۱۵} امکان شکل‌گیری می‌یابند. در این مرحله، رسانه‌های جمعی و اینترنت امکان گفتگو و تعامل بین عموم‌هایی با تفکر مخالف هم^{۱۶} را فراهم آورده (Fraser, ۱۹۹۰ به نقل از Miller & Nicholls, 2013) و با خارج ساختن حوزه عمومی از پدیده‌ای در انحصار مکان، گسترش فضاهای گفتگو را تا سطح جهانی امکان‌پذیر می‌سازند. سرانجام در مرحله ۹، روابط سازمان‌یافته و منسجم می‌تواند منجر به تغییر مقیاس^{۱۷} جنبش از سطح ملی به بین‌المللی شود. ویژگی بارز فضا-زمان رابطه‌ای تأمین روابط مورد نیاز برای گسترش جنبش است، فضایی متکی بر عواطف و احساسات که اگرچه به لحاظ فیزیکی ناپیدا^{۱۸} است اما محسوس و قابل درک^{۱۹} و تأثیرگذار است.

روش پژوهش

از آنجایی که در جنبش‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، نیاز روابط فضایی و روابط زمانی، درهم‌آمیخته شده‌اند، نیاز به الگویی بود که در خوانش پدیده اجتماعی فوق، این هر سه را با هم در نظر قرار دهد. در این میان هاروی به درستی تشخیص داده بود که نه تریالکتیک لوفور از منظر روابط اجتماعی-فضایی و نه روابط فضا-زمانی به تنهایی نمی‌توانند برای تبیین واقعیات اجتماعی کافی باشند. نیز از آنجایی که این دو مدل اشتراکات زیادی با هم دارند، در صورتی که در ماتریسی تقاطعی قرار گیرند، مکمل هم خواهند بود. او خود در خوانش از برج تجارت جهانی یک ردیف از این ماتریس را شرح داد (Harvey, 2008) و خوانش کل ماتریس را به سایر محققین واگذار کرد. در این مقاله سعی شد ماهیت اجتماعی-فضایی-زمانی در این مدل شرح داده شود.^{۲۰} در فرایند خوانش جنبش‌های اجتماعی براساس مدل

منبع مهم برای جنبش عمل می‌کند. خصوصیات فیزیکی محیط از قبیل دسترس‌پذیر بودن فضا، قابل دید بودن و تراکم آن، امکان حضور مردم در فضا را افزایش می‌دهد. بنابراین اشتراکات شکل‌گرفته بین افراد در این ستون، همگی مبتنی بر مکان^{۱۲} هستند. در این مرحله جنبش به شکل تظاهرات خود را در جلوی صحنه در معرض دید عموم مردم قرار می‌دهد. هرچقدر کنشگران تعداد فضاهای بیشتری از شهر را در مدت‌زمان بیشتری تصرف کرده، بیشتر به بازسازماندهی فضا مطابق خواست خود و بر ضد خواست دولت مستقر برآیند، و در ایجاد شبکه‌ها و وابستگی‌های متقابل موفق‌تر باشند، از میدان دید^{۱۳} بیشتری در جامعه برخوردار بوده و نتیجه آن جنبشی محلی با پتانسیل بالاتری برای گسترش خواهد بود. در مرحله ۴، تعاملات جسمانی افراد با یکدیگر به حدی می‌رسد که منجر به شکل‌گیری پیوندهای درون‌گروهی می‌شود. عواملی مانند مجاورت فضایی، امکان تحرک، همگن بودن و ایزوله بودن فضا (ibid.) به تقویت شکل‌گیری رابطه‌های مبتنی بر گروه کمک می‌کند. در مرحله ۵، بین گروه‌های مستقل مرحله قبل پل‌های ارتباطی ضعیفی ایجاد می‌شود و در مرحله ۶، که در ردیف فضای بازنمایی واقع شده، کنش‌های مشترک بین گروهی موجب شکل‌گیری ائتلاف‌های پیچیده چندبازیگری^{۱۴} می‌شود. در این مرحله گروه‌ها، رنج‌ها، دردها و آرزوهای مشترک‌شان را به اشتراک می‌گذارند. مثلاً هنگامی که زنان و دگرباشان جنسیتی، به‌عنوان گروه‌های تحت ستم، باهم همدردی می‌کنند. ماهیت فضا-زمان نسبی شکل‌گیری روابط بین‌فردی، روابط بین‌گروهی و سازمانی در پشت‌صحنه بوده و جنبش از نمایش عمومی پنهان است. بر خلاف فضا و زمان مطلق که بروز جنبش در مکان‌ها و سایت‌ها در مقیاسی محلی را امکان‌پذیر می‌ساخت، در اینجا روابط سازمانی، بسیج جنبش در سطح شهر و گسترش آن در مقیاسی ملی را فراهم می‌سازند. اگر در مرحله ۳ محیط محدودی مثل یک پردیس دانشگاهی توسط افراد تصرف و بازطراحی می‌شد، در اینجا این شهر است که توسط افراد مورد تصرف و بازسازماندهی قرار می‌گیرد. افراد با حضور و ماندن طولانی‌تر در فضا، فضاهای عمومی شهر را به فضاهایی خصوصی تبدیل می‌کنند. به‌عنوان مثال در جنبش بهار عربی در میدان التحرير مصر یا جنبش وال‌استریت افراد گویی شهر جدیدی را با تمام امکانات لازم برای خود در محل‌های اشغال شده تولید کردند (Halvorsen, 2017; Tang, 2019). در اینجا معیارهای طراحی شهری نظیر عریض یا باریک بودن



تصویر ۲. مکعب سه بعدی روابط فضازمانی جنبش‌های اجتماعی. مأخذ: نگارندگان.

تقسیم‌بندی شدند (تصویر ۳). آن‌ها دارای هماهنگی درونی و ناهمگونی بیرونی (Patton, 2002 به نقل از قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵) و جامع و مانع بودند. بدین منظور که هیچ‌یک از فضاهای ۲۲ گانه از این

هاروی و با جستجو در ادبیات موضوع به تدریج لایه‌های جدیدی نمود پیدا کردند. این امر باعث شد تا ماتریس از حالت دوبعدی خارج و تبدیل به مکعبی سه‌بعدی شود (تصویر ۲). این مدل به‌عنوان مبنای تئوریک تحقیق در چارچوب نظری در نظر گرفته شد. سپس ۳۴ جنبش اجتماعی به‌صورت تاریخی مطالعه و مشخصات هر یک از آن‌ها در قالب جداولی شامل ۳۰ فاکتور اصلی که خود دارای زیرمجموعه‌هایی بودند، شناسایی و اطلاعات آن‌ها کدگذاری و دسته‌بندی شد. از آنجایی که پژوهش درصدد کشف رابطه بین فضاهای مؤثر بر جنبش‌های اجتماعی بود، جهت آشکارسازی آن‌ها، از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. به این ترتیب که ظهور هر نوع فضایی که در جنبش‌ها مورد استفاده کنشگران واقع شده بود، به‌عنوان معیارهای تکراری (کلانتری، عباس‌زاده، سعادت، پورمحمد، و محمدپور، ۱۳۸۸؛ قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵) در متون شمارش و طبقه‌بندی شد. این لیست با ۲۲ فضا به مرحله اشباع نظری رسید (عباس‌زاده، بوداقتی و کریمی، ۲۰۱۲).

سپس ۲۲ فضا بر حسب چگونگی مورد استفاده قرار گرفتن‌شان در فرایند جنبش‌های اجتماعی و ویژگی‌های فضایی و ارتباطی‌شان، در سه ساختار فضا-زمانی

ساختارهای فضا و زمان

فضا-زمان مطلق (ساختار نوع اول)	فضا-زمان نسبی (ساختار نوع دوم)	فضا-زمان رابطه‌ای (ساختار نوع سوم)
- شکل‌گیری مشترکات مبتنی بر مکان	- شکل‌گیری مشترکات مبتنی بر روابط	- شکل‌گیری روابط قوی مبتنی بر هویت جمعی و خاطره جمعی
- مکان‌ها به‌عنوان یک قطب جاذب	- شهر به‌عنوان بستره شکل‌گیری روابط	- فضای ارتباطی (مجازی/دوستانه) به‌عنوان بستره شکل‌گیری روابط
- رابطه افراد نسبت به هم غریبه و مستقل	- وجود رابطه درون گروهی بین افراد	- پیوند و روابط در هم تنیده
- فردگرایی مبتنی بر شبکه‌سازی نامحدود و گوناگون	- افراد دارای وابستگی گروهی و سازمانی	- روابط مبتنی بر دوستی‌های ضعیف و قوی
- ورود و خروج آزاد به اجتماعات	- ورود و خروج به اجتماعات مبتنی بر عضویت در گروه	- ورود و خروج به مجموعه آزاد و غیرآزاد
- عدم وجود اتحاد در تصمیم‌گیری	- اتحاد در تصمیم‌گیری	- ساختار رسمی و غیررسمی
- ساختار غیر رسمی	- ساختار رسمی	- روابط رودررو و مجازی
- روابط رودررو	- روابط رودررو	

تصویر ۳. خصوصیات فضا-زمانی ساختارهای فضا-زمان مطلق، فضا-زمان نسبی و فضا-زمان رابطه‌ای. مأخذ: نگارندگان.

خود و با توجه به شرایطی که دارد از فضاها و روش‌های گوناگونی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. لذا پژوهش درصدد یافتن این موضوع بود که چه ترکیبی از این فضاها اگر با هم استفاده شوند می‌توانند منجر به موفقیت جنبش شوند. معادله حاصل از رویکرد بولی این هدف را فراهم ساخت. معادله به این سؤال پاسخ می‌داد که: تحت چه شرایطی از ساختارهای فضا-زمان موفقیت در جنبش‌های اجتماعی امکان‌پذیر است؟ معادله انواع ترکیب‌هایی از فضاهایی که می‌توانند در کنار هم (و نه درآمیختن باهم) منجر به موفقیت شوند را مشخص ساخت. کل این فرایند در **تصویر ۵** به نمایش درآمده است.

بحث

برای تشکیل جدول ارزش بولی (**جدول ۱**)، سه شرط علی برای وقوع رخداد تعیین شد. این شروط که مبنایی برای مشخص کردن ترکیب‌های علی تأثیرگذار به شمار می‌رفتند، بایستی براساس چارچوب نظری تعیین می‌شدند (**ریگین، ۱۳۹۷**).

شرط علی A: وجود فضاو زمان مطلق برای وقوع رخداد ضروری است.

شرط علی B: وجود فضا-زمان نسبی برای وقوع رخداد ضروری است.

شرط علی C: وجود فضا-زمان رابطه‌ای برای وقوع رخداد ضروری است.

رخداد R: موفقیت جنبش. و آن هنگامی است که جنبش منجر به تغییرات دائمی در جامعه و/یا دولت شده و جامعه را از ادامه تظاهرات بی‌نیاز می‌کند.

پس از طی فرایندهای لازم، معادله رابطه بین شروط

دسته‌بندی‌ها بیرون نگاه داشته نشد و هیچ فضایی نیز در بیش از یک دسته وارد نشد.

شمارش فضاهایی که در حین جنبش‌ها مورد استفاده قرار گرفته بودند، از طریق تحلیل محتوای کمی، اگرچه به تحلیل‌های توصیفی و آماری کمک می‌کرد، اما مسلم بود که روش کمی در یک مسیر خطی نمی‌توانست تنوع این پدیده اجتماعی را روشن سازد. کاهش متن به اعداد منجر به ازدست‌دادن داده‌های ترکیبی و معنا می‌شد (**Weber, 1990**)، به نقل از **قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵**؛

ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). بنابراین نیاز بود که از روش کمی و کیفی برای تکمیل یکدیگر همزمان استفاده شود (**هولستی، ۱۳۸۰** به نقل از **قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵**).

به همین منظور از رویکرد بولی استفاده شد. این رویکرد از تکنیک‌های مؤثر در روش‌شناسی تطبیقی در علوم اجتماعی است و اولین بار توسط ریگین، از افراد صاحب‌نظر در این زمینه، در کتاب «روش تطبیقی: فراسوی راهبرهای کمی و کیفی» مطرح شد. منطق این رویکرد اساساً ترکیبی است (**ریگین، ۱۳۹۷**). این رویکرد، شرایط علی تأثیرگذار بر وقوع رخداد را نه به صورت علیت‌های منفرد که به صورت ترکیبی از شرایط علی در نظر می‌گیرد. همین ویژگی مقایسه کیفی بولی آن را به ابزاری مطلوب برای شناسایی الگوهای علیت ترکیبی چندگانه بدل می‌سازد (**ریگین، ۱۳۹۷**؛ **صدیقی کسمایی و فرزید، ۱۳۹۸**؛ **طالبان، ۱۳۸۷**). بنابراین از طریق تحلیل محتوای کمی در بررسی ۳۴ جنبش اجتماعی، ۲۲ فضا حاصل شد که هرکدام از این فضاها بنابر ویژگی‌های روابطی، فضایی و زمانی‌شان در یکی از سه ساختار فضا-زمانی قرار گرفتند (**تصویر ۴**). واضح است که هر جنبش اجتماعی در سیر حرکتی



تصویر ۴. تقسیم‌بندی ۲۲ فضای حاصل از تحلیل محتوای کمی بر حسب چگونگی مورد استفاده قرار گرفتن، ویژگی‌های فضایی و ارتباطی‌شان در سه ساختار فضا-زمانی. مأخذ: نگارندگان.

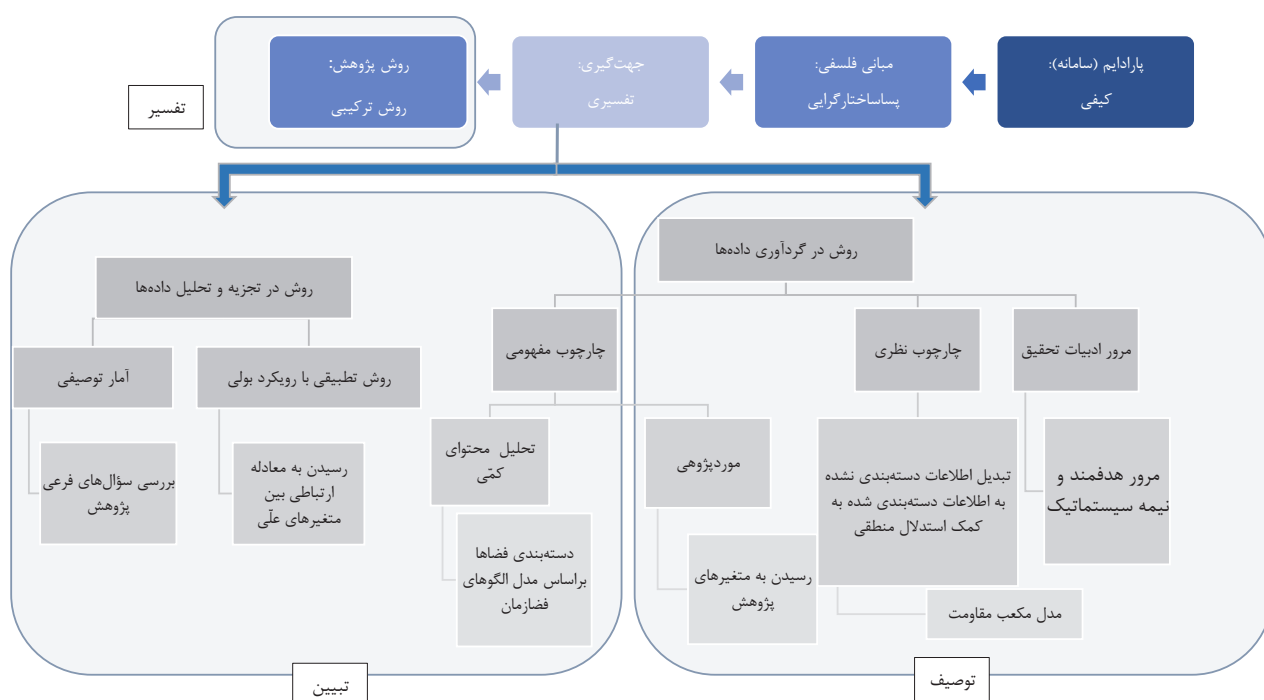
با فضا-زمان نسبی استفاده کند (B) «و» (از فضاهای مرتبط با فضا-زمان رابطه‌ای استفاده نکند).

در خوانش معادله بولی حضور و غیاب شروط با هم و همزمان و توأمان در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر حضور یا غیاب علل ترکیب شده و با هم تعامل دارند و شروط علی به صورت منفرد ارزیابی نمی‌شوند. اصولاً مزیت این رویکرد نیز ترکیبی دیدن شرایط علی است. معادله، شرایط علی وقوع رخداد (= موفقیت جنبش) را در نظر می‌گیرد و نه برعکس آن. از طریق معادله دموگران بولی می‌توان شرایطی را بررسی کرد که چه ترکیبی از شرایط علی اگر برقرار باشد (= چه

علی لازم برای موفقیت جنبش‌های اجتماعی به صورت زیر به دست آمد^۱:

$$R = AC + Bc$$

در این معادله حروف بزرگ به معنای وجود شرط علی مورد نظر و حروف کوچک به معنای غیبت آن است. جمع در جبر بولی به معنای OR («یا» منطقی) و ضرب نشان‌دهنده AND («و» منطقی) است. بنابراین از معادله مذکور چنین نتیجه‌گیری می‌شود: جنبش موفقیت را تجربه می‌کند (اگر از فضاهای مرتبط با فضا-زمان مطلق A استفاده کند) «و» (از فضاهای مرتبط با فضا-زمان رابطه‌ای نیز استفاده کند C) «یا» (از فضاهای مرتبط



تصویر ۵. مدل روش پژوهش تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. جدول ارزش بولی. مأخذ: نگارندگان.

تعداد	شرایط علی			فراوانی مورد‌های مشاهده شده از ترکیب علی	کد خروجی حضور/غیاب P	تعداد موارد رخداد S	کد خروجی رخداد R
	A	B	C				
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	?
۲	۱	۰	۰	۹	۱	۴	۰
۳	۰	۱	۰	۵	۱	۴	۱
۴	۰	۰	۱	۲	۱	۱	۰
۵	۱	۱	۰	۵	۱	۳	۱
۶	۱	۰	۱	۵	۱	۳	۱
۷	۰	۱	۱	۶	۱	۳	۰
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

فیزیکی شهر (فضا و زمان مطلق) و هم فضاهای شبکه‌ای تأثیرگذار بر احساسات مردم و شبکه‌های مجازی گسترش‌دهنده جنبش (فضا-زمان رابطه‌ای) را همزمان در اختیار داشته باشد. نه در اختیار داشتن فضای مطلق شهر و نه در اختیار داشتن شبکه‌های مجازی و رابطه‌ای به صورت مجزا جنبش را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند. جمله فوق نشان می‌دهد این دو دسته از فضا بایستی توأمان مورد استفاده کنشگران واقع شوند. حال جمله دوم بررسی می‌شود. عبارت BC بیان می‌کند در صورت غیاب فضا-زمان رابطه‌ای (C)، وجود فضا-زمان نسبی (B) ضروری است. وجه اشتراک این دو دسته از فضا نقش کمکی‌شان در شکل‌دهی به ارتباطات شبکه‌ای است. منتهی فضا-زمان نسبی (B) مبتنی بر شبکه‌بندی سازمانی و فضا-زمان رابطه‌ای (C) متکی بر شبکه‌بندی دوستانه و عمدتاً مجازی و غیرفیزیکی است. حال اگر جنبش نتواند از هر نوع فضای رابطه‌ای شامل شبکه‌های مجازی یا هنرهای اعتراضی و غیره برای گسترش و یا ارتباط بین کنشگران استفاده کند، در این صورت وجود نهادهای سازمان‌دهنده برای پیشبرد و هدایت جنبش جهت نیل به پیروزی ضروری است. دیتون (Deaton, 2015) در مطالعات خود بیان می‌کند حضور در فضاهای شهری از قبیل میادین و خیابان‌ها ممکن است برای کوتاه‌مدت مفید باشد، اما برای تجهیز پایدار جنبش نیاز به فضاهایی ثانویه برای به‌چالش کشیدن مستمر دولت مستقر وجود دارد. او علت عدم موفقیت جنبش سبز در ایران و جنبش دانشجویی می‌۶۸ پاریس را، انفعال آن‌ها از فضاهای سازمان‌دهنده می‌دانست. در مقابل، انقلاب مخملی پراگ به دلیل استفاده موفق از تئاترها و انقلاب ۱۹۷۹ ایران به علت استفاده از مساجد به‌عنوان فضاهای ثانویه، پیروز شدند. با توجه به معادله $R = AC + BC$ وجود یکی از دو ساختاری که شامل فضاهای فیزیکی بوده‌اند یعنی فضا و زمان مطلق (A) و یا فضا-زمان نسبی (B)، ضروری است. در ترکیب AC وجود A و در ترکیب BC وجود B لازم است. به بیان دیگر شروط علی A و B شروط ضروری (لازم) هستند. زیرا برای تحقق رخداد حضور آن‌ها ضروری است (ریگین، ۱۳۹۷). لذا اگر A و B به لحاظ ماهوی در یک دسته قرار گیرند، چنین می‌توان استدلال کرد که تجربه عینی فضا در جنبش‌های اجتماعی لازم و ضروری است. حال اگر جنبش در فضا و زمان مطلق نمود یافت (A) «و» از فضا-زمان رابطه‌ای هم برای گسترش خود استفاده کرد (C)، قطعاً از ترکیب این دو ساختار به موفقیت خواهد رسید. اما اگر از ظرفیت‌های فضا-زمان رابطه‌ای استفاده

ترکیبی از فضاها استفاده شود) که منجر به شکست جنبش شوند. بخش اول ترکیب علی معادله، AC، بر وجود توأمان فضا و زمان مطلق (A) و فضا-زمان رابطه‌ای (C) برای موفقیت جنبش‌های اجتماعی دلالت دارد. می‌توان این جمله را به این صورت نیز تعبیر کرد: در فقدان فضا-زمان نسبی، وجود توأمان فضا و زمان مطلق و فضا-زمان رابطه‌ای به صورت همزمان ضروری است. پیشتر شرح داده شد که ویژگی بارز فضا و زمان مطلق مبتنی بر مکان بودن آن‌هاست. تمامی فضاهایی که طبق تصویر ۴ در این دسته جای گرفتند فضاهای شهری و ساختمان‌های عمومی شهر را تشکیل می‌دادند که هنگام جنبش‌ها مکان تجمع کنشگران را فراهم می‌کردند. فضا-زمان نسبی، فضاهایی بودند که بیشتر نقش سازمان‌دهنده و بسیج جنبش را فراهم کرده و مبتنی بر روابط رسمی و سازمانی بودند. این فضاها شامل تمامی نهادها و سازمان می‌شدند و درنهایت فضا-زمان رابطه‌ای مبتنی بر تأثیرگذاری عاطفی-احساسی و تأمین‌کننده روابط بوده و نقش مهمی در گسترش جنبش بازی می‌کرد. اینترنت و رسانه‌های اجتماعی و هنرهای اعتراضی سهم بزرگی از این دسته را به خود اختصاص دادند. بنابراین جمله AC این را نشان می‌دهد: در صورتی که جنبش همزمان از فضاهای شهری برای نمایش خود استفاده کرده و در کنار آن از ابزارهایی نظیر هنرهای اعتراضی برای تأثیرگذاری عاطفی و از فضاهای مجازی برای گسترش خود استفاده کند، در این صورت جنبش به موفقیت می‌رسد. پیشتر اندیشمندان دیگری نیز بر وجود توأمان این دو دسته فضا تأکید کرده بودند. هاروی (Harvey, 2008) مشخصاً به استفاده همزمان از فضا-زمان مطلق و رابطه‌ای تأکید کرده، لیم (Lim, 201)، کاستلز (Castells, 2012) و آرمپاتزی (Arampatzi, 2017) هر سه با ذکر مثال‌هایی رسانه‌های دیجیتال و فضاهای شهری را ابعاد وابسته جنبش‌ها دانسته‌اند. از طرف دیگر رافائل (Rafail, 2018) و هالورسن (Halvorsen, 2017) به نقش فضاهای شهری برای ایجاد همبستگی عاطفی تأکید کرده‌اند. دیتون (Deaton, 2015) و لوفور (Lefebvre, 1991) نیز به نقش فضاهای شهری به‌عنوان مکان‌هایی که با خاطرات برجسته سیاسی عجین می‌شوند اشاره و بر نقش مهم آن‌ها بر بسیج جنبش تأکید کرده‌اند. به زبان دیگر جمله فوق بیان می‌کند که در غیاب نهادهای هماهنگ‌کننده و سازمان‌دهنده، که سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به حرکات سازمانی از قبیل تحصنات و اعتصابات دارند، اگر جنبش بخواهد به پیروزی برسد باید هم فضای عمومی و

موفقیت جنبش به‌عنوان وقوع رخداد در معادله تعیین شد. لذا معادله انواع ترکیب‌هایی از فضاها که در کنار هم می‌توانند منجر به موفقیت جنبش شوند را آشکار ساخت. معادله ثابت کرد وجود توأمان فضاهای فیزیکی شهری و فضاهای رابطه‌ای (اعم از رسانه‌های اجتماعی، انواع شبکه‌سازی‌ها و هنرهای اعتراضی) برای موفقیت جنبش الزامی است. اگر جنبش بخواهد به پیروزی برسد باید هم فضای عمومی و فیزیکی شهر (فضا و زمان مطلق) و هم فضاهای شبکه‌ای تأثیرگذار بر احساسات مردم و شبکه‌های مجازی گسترش‌دهنده جنبش (فضا-زمان رابطه‌ای) را همزمان در اختیار داشته باشد. نه در اختیار داشتن فضای مطلق شهر و نه در اختیار داشتن شبکه‌های مجازی و رابطه‌ای به‌صورت مجزا جنبش را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند. همچنین معلوم شد در صورتی که برای جنبش امکان استفاده از انواع رسانه‌های آزاد و شبکه‌سازی‌های گسترده امکان‌پذیر نباشد، در این صورت برای موفقیت جنبش، وجود سازمان‌ها و نهادهای بسیج‌کننده ضروری است.

همچنین معادله روشن ساخت که در هر دو ترکیب علی موجود که وقوع رخداد (=موفقیت جنبش) را سبب شده‌اند، وجود یکی از دو ساختاری که شامل فضاهای فیزیکی بوده‌اند (A یا B) ضروری است. در ترکیب AC، وجود A و در ترکیب BC وجود B لازم است. به بیان دیگر شروط علی A و B ضروری (لازم) هستند. زیرا برای تحقق رخداد، حضور آن‌ها ضروری است (ریگین، ۱۳۹۷). لذا اگر A و B به لحاظ ماهوی در یک دسته قرار گیرند، چنین می‌توان استدلال کرد تجربه عینی فضا در جنبش‌های اجتماعی لازم و ضروری است. همچنین این دو گزاره این معنی را می‌رسانند که از بین دو ساختاری که هر دو فیزیکی هستند یعنی A و B، سهم قدرت سازمان‌ها و نهادها از فضاهای صرف شهری بیشتر است. زیرا B (سازمان‌ها و نهادها) در غیاب C (شبکه‌های مجازی و عاطفی) و حتی غیاب A (فضاهای عمومی شهری) خود به تنهایی برای موفقیت جنبش کافی است. به‌عنوان مثال حرکات سازمانی که منجر به اعتصابات گسترده و کنش‌های جمعی می‌شوند می‌توانند جنبش را به سرمنزل مقصود رسانده و با نظم مستقر مقابله کنند. همچنین اگر هم دولت امکان استفاده از شبکه‌های ارتباطی و مجازی را به هر طریق قطع کرده و یا از فیلترینگ استفاده کند (C)، باز این شکل‌گیری شبکه‌بندی‌های سازمانی است (B) که می‌تواند منجر به رسیدن جنبش به اهداف خود شود. ولی در مقابل A باید همزمان با C رخ دهد که جنبش به پیروزی نائل

نکرد (C)، در این صورت حتماً به سازمان‌ها و نهادهای هماهنگ‌کننده (B)، به‌صورت ساختاری و در پشت‌صحنه نیاز دارد. این فضاها جنبش را در راستای اهداف و خط‌مشی برای نیل به پیروزی تجهیز و بسیج می‌کنند. لذا از طریق معادله فوق ثابت می‌شود که استفاده از فضای فیزیکی شهری یا معماری برای شکل‌گیری و موفقیت جنبش ضروری است و جنبش‌هایی که صرفاً از طریق فضا-زمان رابطه‌ای و مشخصاً شبکه‌های مجازی فعالیت کنند، حتی در صورت شکل‌گیری جنبش و نمود آن در بدنه اجتماع هم به موفقیت و دستیابی کامل به اهداف خود نمی‌رسند. همچنین این دو گزاره این معنی را می‌رسانند که از بین دو ساختاری که هر دو فیزیکی هستند یعنی A و B، سهم قدرت سازمان‌ها و نهادها از فضاهای صرف شهری بیشتر است. زیرا B در غیاب C خود به تنهایی برای موفقیت جنبش کافی است، ولی A باید همزمان با C رخ دهد که جنبش به پیروزی نائل آید.

اگرچه آنچه که از معادله بولی حاصل شد ممکن در نظر اول بدیهیات به نظر برسد، اما آنچه که در این پژوهش اتفاق افتاد این بود که از طریق روش بولی، آنچه پیشتر در ادبیات موضوع توسط محققین و عمدتاً به‌صورت تفسیری مورد نظریه‌پردازی واقع شده بود، به‌صورت کمی مورد تأیید واقع شد.

نتیجه‌گیری

فضامندی و زمان‌مندی دو رکن اساسی در مواجهه با هر جنبش اجتماعی است. در ابتدای تحقیق به پیشنهاد هاروی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی، خصوصیات فضایی جنبش‌ها در ماتریسی که ردیف‌ها و ستون‌های آن به ترتیب تریالکتیک لوفور و ساختارهای سه‌گانه فضا-زمان بودند دسته‌بندی شدند. در این خوانش، جنبش‌ها به‌عنوان فرایندی ساخته‌شده از وابستگی متقابل اجزای خود، تفسیر شدند. در این پژوهش از رویکرد بولی استفاده شد که یکی از تکنیک‌های مورد توجه روش‌شناسان در زمینه پژوهش‌های اجتماعی است. این راهبرد ترکیبی حداکثر ترکیب‌های علی که منطقی وجود آن‌ها امکان‌پذیر است را نمایان ساخته و به تقلیل ساده و برآوردن سهم ویژه هر علت اکتفا نمی‌کند. بنابراین داده‌های کیفی جمع‌آوری‌شده در رابطه با جنبش‌های اجتماعی در مرحله تجزیه و تحلیل به داده‌های کمی تبدیل شدند. با استفاده از رویکرد بولی از منطق درونی نظریه‌های فضا و زمان برای شناخت روابط بین فضاهای مؤثر در موفقیت جنبش‌های اجتماعی استفاده شد.

فهرست منابع

- اشرفی، یوسف؛ پوراحمد، احمد؛ رهنمایی، محمدتقی و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۳). مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۲(۴)، ۴۳۵-۴۶۴.
- اکبری، علی. (۱۳۹۸). فهم روایتگری معماری مبتنی بر نسبت «دیالکتیک فضا-زمان» با «بدن». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۲(۲)، ۷۵-۹۷.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، ۲(۶)، ۱۵-۴۴.
- بندرآباد، علیرضا؛ مرادی مسیحی، وراز؛ کاوش‌نیا، حامد و عالی، حسین. (۱۳۹۴). جستاری بر مفهوم‌شناسی عرصه‌های عمومی شهری در بازخوانی نظریه انتقادی و مکتب فرانکفورت. مدیریت شهری، ۱۴(۳۹)، ۲۹۰-۲۶۳.
- توفیق، ابراهیم و خراسانی، امیر. (۱۳۹۳). دوسوایی فضا در زیمل. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۲۱(۲)، ۹-۳۰.
- ترکمه، آیدین. (۱۳۹۵). درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور. تهران: تیسنا.
- ریگین، چارلز. (۱۳۹۷). روش تطبیقی، فراسوی راهبردهای کمی و کیفی (ترجمه محمد فاضلی). تهران: نشر آگه.
- صدیقی کسمایی، مینو و فرزند، محمد مهدی. (۱۳۹۸). بررسی بولی علل فراموشی جمعی در شهر: مطالعه موردی عمارت‌های متروک شهر بابلسر. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۱۴۹-۱۷۵.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۷). درآمدی روش‌شناسانه بر تحلیل بولی فوران از انقلاب ایران. علوم اجتماعی لامه، ۴۲-۴۳.
- فروزنده، محمدرضا و منصور، سید امیر. (۱۳۹۸). تأملی بر مکان‌مندی صورت‌بندی اجتماعی در فضای شهری؛ بر مبنای «جامعه‌شناسی فضا»ی گئورگ زیمل؛ مطالعه موردی: خیابان انقلاب (حداصل میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر). باغ نظر، ۱۶(۷۳)، ۶۵-۷۶.
- قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۷(۲۳)، ۵۷-۸۲.
- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ سعادت، موسی؛ پورمحمد، رعنا و محمدپور، نیر. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به‌عنوان روش تحقیق کیفی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۴)، ۷-۲۸.
- عباس‌زاده، محمد، بوداقتی، علی، و کریمی، فریدون. (۱۳۹۱). انواع تحلیل موردی و کاربرد تثلیث در آن. مطالعات جامعه‌شناسی، ۵(۱۴)، ۶۹-۸۷.
- غفاری، مسعود و اطهری، حسین. (۱۳۸۳). مدرنیته و جنبش‌های اجتماعی. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱(۲)، ۵۷-۷۷.
- مالگریو، هری فرانسیس. (۱۳۹۵). مغز معمار: علوم اعصاب، خلاقیت و معماری (ترجمه کریم مردمی و سیما ابراهیمی). تهران: هنر معماری قرن.

آید. به این معنی که صرف اشغال فضای شهری، نه برای مدت‌زمان طولانی امکان‌پذیر است و نه به تنهایی هادی جنبش به موفقیت. و فقط وقتی که از طریق شبکه‌بندی‌های مجازی گسترش یافته و احساسات مردم را تسخیر کند امکان موفقیت جنبش فراهم می‌شوند. اگرچه آنچه از معادله بولی حاصل شد ممکن است در نظر اول بدیهیات به نظر برسد، اما آنجا که در این پژوهش اتفاق افتاد این بود که از طریق روش بولی آنچه که پیشتر در ادبیات موضوع توسط محققین و عمدتاً به‌صورت تفسیری مورد نظریه‌پردازی واقع شده بود، به‌صورت کمی مورد تأیید واقع شد. از ایرادهایی که از جانب برخی اندیشمندان به تحقیق کیفی وارد می‌شود، احتمال مداخله پیش‌فرض‌های محقق در پژوهش و همچنین ابهام در سنجش کیفیت تحقیق است. نقطه قوت این پژوهش کمیت‌پذیر کردن پارامترهای کیفی بود. تحلیل کمی تحقیق، امکان فاصله‌گرفتن محقق از پژوهش را فراهم ساخت.

پی‌نوشت

۱. Actors
۲. Spatiality
۳. Temporality
۴. Inner Logic
۵. Organized active structure
۶. Spatial practice
۷. Representation of space
۸. Representational space
۹. در متن هر جا که فضا و زمان مطلق استفاده شده است، کلمات فضا و زمان به دلیل ماهیت ارتباطی حاکم بین آن‌ها توسط «و» از هم جدا شده‌اند.
۱۰. در متن هر جا که فضا-زمان نسبی استفاده شده است، کلمات فضا و زمان به دلیل ماهیت ارتباطی حاکم بین آن‌ها توسط «-» به هم مرتبط شده‌اند.
۱۱. در متن هر جا که فضا-زمان رابط‌های استفاده شده است، کلمات فضا و زمان به دلیل ماهیت ارتباطی حاکم بین آن‌ها به‌صورت پیوسته نوشته شده و در حکم یک کلمه محسوب می‌شوند.
۱۲. Location-based commonalities
۱۳. Visibility
۱۴. Complicated multi-actor coalitions
۱۵. Multi-scalar organization based
۱۶. Counter publics
۱۷. Scale shift
۱۸. Invisible
۱۹. Perceivable
۲۰. اگرچه این امر پوشیده نیست که شرح این مراحل با استفاده از نمونه‌های موردی کمک فراوانی به فهم مطلب خواهد کرد، لیکن مطرح کردن آن از ظرفیت این مقاله خارج است و در اینجا فقط به شرح مدل و چگونگی استفاده از نظریات فضا-زمانی به‌عنوان مبنایی جهت استفاده در رویکرد بولی پرداخته می‌شود.
۲۱. برای اطلاع از چگونگی جدول ارزش بولی و رسیده به معادله حاصل از شرایط علی شکل‌گیری رخداد به کتاب «روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی» نوشته چارلز ریگین (۱۳۹۷) رجوع شود.

Ollman, & T. Smith (Eds.), *Dialectics for the New Century* (pp.98-117). London: Palgrave Macmillan.

- Harvey, D. (2009). *Cosmopolitanism and the Geographies of Freedom*. New York: Columbia University Press.
- Haug, C. (2013). Organizing Spaces: Meeting Arenas as a Social Movement Infrastructure between Organization, Network, and Institution. *Organization Studies*, 34(5-6), 705-732.
- Kaçar, A.D. (2005). *Time Perception in Relation to Architecture space. Proceedings of the Second Scottish Conference for Postgraduate Researchers of the Built and Natural Environment (PRoBE)*, 16-17, 762, Retrieved from <https://www.irb.fraunhofer.de/CIBlibrary/search-quick-result-list.jsp?A&idSuche=CIB+DC10609>
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Wiley-Blackwell.
- Lefebvre, H. (2009). *State, Space, World* (G. Moore, N. Brenner, & S. Elden, Trans.). (N. Brenner, & S. Elden, Eds.). Minnesota: University of Minnesota Press.
- Lim, M. (2014). Seeing spatially: people, networks and movements in digital and urban spaces. *International Development Planning Review*, 36(1), 51-72.
- Madanipour, A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*. London, United Kingdom: Routledge.
- Massey, D. (2005). *For Space*. London: SAGE Publications Ltd.
- Merrifield, A. (1993a). The Struggle over Place: Redeveloping American Can in Southeast Baltimore. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 18(1), 102-121.
- Merrifield, A. (1993b). Place and Space: A Lefebvrian Reconciliation. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 18(4), 516-531.
- Miller, B. & Nicholls, W. (2013). Social Movements in Urban Society: The City as a Space of Politicization. *Urban Geography*, 34(4), 452-473.
- Philipson, I. (2019). *What has architecture to do with quantum physics? -About Buildings and System?* Retrieved from <http://archplanbaltimore.blogspot.com/2012/08/what-has-architecture-to-do-with.html>
- Polletta, F. (1999). Free spaces in collective action. *Theory and Society*, 28, 1-38.
- Prigge, W. (2008). *Reading the Urban Revolution: Space and Representation*. In K. Goonewardena, S. Kipfer, R. Milgrom, & C. Schmid (Eds.), *Space, Difference, Everyday Life*, Reading Henri Lefebvre (pp. 46-61). New York: Routledge.
- Rafail, P. (2018). Protest in the city: Urban spatial

- نوربخش، هدیه. (۱۳۸۶). عرصه‌ها و نهادهای شهری در تهران عصر مشروطه. گلستان هنر، ۳(۳)، ۵۲-۶۱.
- هاوکینگ، استیون. (۱۳۹۸). جهان در پوست گردو (ترجمه محمدرضا محبوب). تهران: شرکت سهامی انتشار، حریر.
- Alexander, Ch. (2004). *The Interaction of Architecture and Science*. Retrieved from <https://patterns.architecturez.net/doc/az-cf-176849>.
- Arampatzi, A. (2017). The spatiality of counter-austerity politics in Athens, Greece: Emergent 'urban solidarity spaces'. *Urban Studies*, 54(9), 2155-2171.
- Beauregard, R. (2011). Time, Action, Space. *Urban Geography*, 32(4), 470-475.
- Bourne, A. (2017). Social Movements as 'Arenas' and 'Actors' in Transnationalizing Public Spheres. *Journal of Civil Society*, 13(3), 223-230.
- Castells, M. (1983). Crisis, Planning, and the Quality of Life: Managing the New Historical Relationships between Space and Society. *Environment and Planning D: Society and Space*, 1(1), 3-21.
- Castells, M. (2012). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet*. Cambridge: Polity.
- Castells, M. (2015). Space of Flows, Space of Places: Materials for a Theory of Urbanism in the Information Age. In R. T. LeGates, & F. Stout (Eds.), *The City Reader* (pp. 229-240). London: Routledge.
- Deaton, C. (2015). The Revolution Will Not Be Occupied: Theorizing Urban Revolutionary Movements in Tehran, Prague, and Paris. *Territory, Politics, Governance*, 3(2), 205-226.
- Degen, M. (2017). Urban Regeneration and Resistance of Place: Foregrounding Time and Experience. *Space and Culture*, 20(2), 141-155.
- Diani, M. (2000). Social Movement Networks Virtual and Real. *Information. Communication & Society*, 3(3), 386-401.
- Elden, S. (2009). Space. In R. Kitchin, & N. Thrift (Eds.), *International Encyclopedia of Human Geography* (pp.262-267). Amsterdam, Netherlands: Elsevier Science.
- Frers, L. & Meier, L. (2017). The Limits of Resistance in Public Spaces. *Space and Culture*, 20(2), 124-126.
- Halvorsen, S. (2017). Spatial dialectics and the geography of social movements: the case of Occupy London. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 42(3), 445-457.
- Harvey, D. (2006). Space as a Keyword. In N. Castree, & D. Gregory (Eds.), *David Harvey: A Critical Reader* (pp.270-293). Hoboken, New Jersey: Blackwell Publishing Ltd.
- Harvey, D. (2008). The Dialectics of Spacetime. In B.

restructuring and dissent in New York, 1960-2006. *Urban Studies*, 55(1), 244-260.

- Soja, E. W. (1980). The Socio-Spatial Dialectic. *Annals of the Association of American Geographers*, 70(2), 207- 225.
- Tang, K.-L. (2019). Privatization of Public Space: Spatial Practice in the Umbrella Movement. *Space and Culture*, 22(4), 449-459.
- Taylor, S. & Spicer, A. (2007). Time for space: A narrative review of research on organizational spaces. *International Journal of Management Reviews*, 9(4), 325-346.

- Tonkiss, F. (2006). *Space, the City and Social Theory: Social Relations and Urban Forms*. Cambridge: Polity.
- Wang, X., Ye, Y. & Chan, C. K. (2019). Space in a Social Movement: A Case Study of Occupy Central in Hong Kong in 2014. *Space and Culture*, 22(4), 434-448.
- Zieleniec, A. (2007). *Space and Social Theory*. Keele University, UK: SAGE.
- Zivali Tukhan, T. (2019). Public Space as Cultural Resource. *Turkish Academy of Sciences Journal of Cultural Inventory*, (19), 133-144.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
 باقرنژاد حمزه کلایی، بهار؛ تحقیر، سعید و خاقانی، سعید. (۱۴۰۱). خوانش بولی جنبش‌های اجتماعی با استفاده از نظریه‌های فضا-زمان. *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۶)، ۴۱-۵۴.

DOI:10.22034/BAGH.2022.316629.5053
 URL: http://www.bagh-sj.com/article_163636.html

